

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אוריאל דוידי

9 קיסלו 5782

מבת מפה קדוסיט אין נשריב, אז דור אנדאפֿטן אן פודדاری פרמאיידי.

י"א

ג פ ת א ר

אנְהָא רַא נְסִיחַת מִי קַנְד וּ כְלָא בּוֹדֵן סְדִיק בַּעַת בְּרַכַּת אַטְרַפְיָאנְשׁ שְׁדֵה וּ זְחוּת סְדִיק אַז אֲנֵהָ מַחֲפַזְת מִי נְמַיֵד וּ בֵה מַאנְד סֵפֶר בְּלֵא מִי בַאשׁד.

רְבִי חֵיִיִם אַז וּוּלוֹזִיִן רוּחַשׁ שָׁאד נִיִז דִּר אֵיִן מוֹרֵד מִי נּוֹיִסֵד: וּקְטִי פֶרֶד מְשׁוּגֵל בֵּה אֲמוֹזֶשׁ תּוֹרַה מִי שׁוּד , בְּרַאִי תַמַּם דְּנִיָּא חּוּבִי וּ נִיִּקִי מִי אֹרֵד.

רַאשִׁי דִּר תְּפִסִּיר חּוּד חֶסֶב מִי קַנְד קִבֵּל אַז רִפְתֵּן בֵּה חָרָאן , יַעֲקֹב אֹיִנּוּ בֵה נֶזֶד שֵׁם וּ עוֹר רִפְת וּ צְהָרֵדֵה סַאֵל מְשׁוּגֵל אֲמוֹזֶשׁ תּוֹרַה שְׁד תַּא זַאֵלְמִיִת וּ רִפְתַּר נַאֵמַסֵּב לַאֵוַאן בְּרַא וּ תְאִיִר נִגְזָרֵד. פֶּס חֲטָמָא יַעֲקֹב אֹיִנּוּ בַּא אֵיִן צְהָרֵדֵה סַאֵל אֲמוֹזֶשׁ תּוֹרַה בִּי וּקְפֵה , חּוּבִי בִּסְיָרִי בְּרַאִי מֶרֶדֶם שֶׁפֶר פֶּרַהֵם אֹרֵד. פֶּס וּקְטִי יַעֲקֹב אֹיִנּוּ אַז בְּרִשׁוּע רִפְת , אֵיִן הֵמֵה חּוּבִי וּ בְרַכַּת יֶקֶד בַּרֵּה קַצֵּחַ שְׁד וּ הֵמְגִי קַמְבוּד אֵיִן חּוּבִי וּ בְרַכַּת רַא אַחֲסַאס נִמוּדֵנֵד.

עֵלֵת אֲוִלִּי רִפְתֵּן יַעֲקֹב אֹיִנּוּ אַז בְּרִשׁוּע , עֶסַאֵו בּוּד קֵה מִי חּוֹאֵסֵת אֹו רַא בִּקְשֵׁד וּ אַז אֹו אֲנִתְקַאֵם בִּגִּירֵד. בֵּה הֵמִיִן דִּלִּיל , רִיבּוּקַא אֵיִמְנוּ בֵה אֹו אֲמֶר נִמוּד קֵה בְּרִשׁוּע רַא תְּרַק וּ בֵה מְקַאֵנִי בְּרוּד קֵה דִּר דֶּסֶטְרַס עֶסַאֵו נִבַּאשׁד וּ קִשְׁתֵּה נִשׁוּד. אִגֶּר מֶרֶדֶם בְּרִשׁוּע מִי דַאנְסֵטֵנֵד בּוּדֵן יַעֲקֹב אֹיִנּוּ צְהָרֵדֵה בְּרַכַּת וּ חּוּבִי בְּרַאִי אֲנֵהָ דַאֵרֵד , חֲטָמָא פֶּרֶסֶטַאדְגַּאנִי רַא בֵּה חָרָאן מִי פֶּרֶסֶטַאדֵנֵד תַּא רַאחַל אֵיִמְנוּ רַא בֵּה בְּרִשׁוּע בִּיַאֹוֶרֵנֵד וּ יַעֲקֹב אֹיִנּוּ בַּא וִי אַזְדוּאֵג נְמַיֵד. הֵם צְנִיִן אַז וִי מוֹאֲזֵבֵת דַּאֵמִי מִי שְׁד תַּא עֶסַאֵו תִּוַּאנֵד בֵּה אֹו צְרִבֵּהֵאִי בְּזֵנֵד וּ בֵה אֵיִן סוֹרֵת , בְּרַכַּת וּ חּוּבִי דִּר שֶׁפֶר חּוּד רַא פַּא בְּרַגַּא נִמוּדֵה וּ רוּשְׁנַאֵי , עֶזֶת וּ שְׁכוּהַ שֶׁפֶר חּוּד רַא אַז דֶּסֶת נִמִּי דַאֵנֵד. וִלִּי מֶרֶדֶם בְּרִשׁוּע צְנִיִן קַרִי נִקְרֵדֵנֵד וּ מְגִבּוֹרִיִם בִּגּוֹיִיִם מֶרֶדֶם בְּרִשׁוּע בַּא חֶבֶר נִבוּדֵנֵד

דִּר פַּרַאשַׁי קִבֵּל חּוֹאנִדִּיִם פֶּס אַז אֵיִנְקֵה יַעֲקֹב אֹיִנּוּ בְּרַאחַאָהָ רַא אַז פֶּדֶר חּוּד דִּרִּיַפֵּת נִמוּד , יַיִסְחַאֵק אֹיִנּוּ אֹו רַא פֶּרַאחּוֹאֵנֵד וּ בֵה אֹו אֲמֶר קֶרֶד אַז דִּחְטְרַאן קֵנְעַאן הֵמֶסֶר אֲנִתְחַב נִקַּנְד , בִּלְקֵה בֵּה חָרָאן רִפְתֵּה וּ אַז דִּחְטְרַאן דַּאֵי חּוּד , לַאֵוַאן , הֵמֶסֶרִי רַא אֲנִתְחַב נְמַיֵד. יַעֲקֹב אֹיִנּוּ בֵּה אֲמֶר פֶּדֶר חּוּיִשׁ גּוֹשׁ פֶּרַא דַּאֵדֵה וּ בֵּה חָרָאן מִי רּוּד.

פַּרַאשַׁי הֶפְתֵּה בַּא אֵיִן קִלְמַת אֲגַאֵז מִי שׁוּד:

”יַעֲקֹב אַז בְּרִשׁוּע חָרַג שְׁד וּ בֵּה חָרָאן רִפְת .”

רַאשִׁי דִּר תְּפִסִּיר אֵיִן מוֹרֵד מִי נּוֹיִסֵד:

”אִגֶּר יַעֲקֹב אֹיִנּוּ בֵּה חָרָאן רִפְת , פֶּס מַעֲלוּם אֵסֵת אַז בְּרִשׁוּע חָרַג שְׁדֵה , פֶּס צְרַא תּוֹרַה מִי נּוֹיִסֵד יַעֲקֹב אַז בְּרִשׁוּע חָרַג שְׁד? ”

רַאשִׁי דִּר פַּאשׁחַ בֵּה אֵיִן סְוֶאֵל , תּוּזִיַּחַת דַּאנְשְׁמַנְדַּאן תּוֹרַה רַא מִי אֹרֵד קֵה מִי פֶּרַמַיִנֵד:

” וּקְטִי שְׁחֻס סְדִיקִי אַז מְקַאֵנִי חָרַג מִי שׁוּד , אֵיִן חֲרוּג בְּרַאֵן מְקַאֵן תְּאִיִר גִּזָּרֵדֵה וּ וּקְטִי יַעֲקֹב אֹיִנּוּ אַז בְּרִשׁוּע חָרַג שְׁד , רוּשְׁנַאֵי , עֶזֶת וּ שְׁכוּהַ אֵן מְקַאֵן רִפְת .”

מִפְסְרַאן רַאשִׁי דִּר אֵיִן בַּרֵּה מִי נּוֹיִסֵנֵד:

” מִגֶּר נֵה אֵיִנְקֵה הֵנּוּז יַיִסְחַאֵק אֹיִנּוּ דִּר בְּרִשׁוּע בּוּד , פֶּס צְרַא בַּא רִפְתֵּן יַעֲקֹב אֹיִנּוּ אֵיִן שֶׁפֶר רוּשְׁנַאֵי , עֶזֶת וּ שְׁכוּהַ חּוּד רַא אַז דֶּסֶת דַּאֵד? ”

וִי דִּר פַּאשׁחַ מִי נּוֹיִסֵד: ” וּבּוּד דּוּ פֶּרֶד סְדִיק דִּר יֶקֶד מְקַאֵן בַּא בּוּדֵן יֶקֶד פֶּרֶד סְדִיק דִּר אֵן מְקַאֵן פֶּרֶק דַּאֵרֵד .”

בֵּה טוֹר קִלִּי , וּקְטִי יֶקֶד פֶּרֶד סְדִיק דִּר מְקַאֵנִי וּבּוּד דַּאֵרֵד , מֶרֶדֶם אַז וִי חֲבַאֵל קִשִּׁידֵה וּ חֲטָא נִמִּי קַנְנֵד. עֵלַוֵּה בְּרַאֵיִן , שְׁחֻס סְדִיק

1 אַגֶּר דִּר קִיִּפִּיִת וּ קַמִּיִת מַפְלַב אֵיִן נִשְׂרִיבֵה (אֵי , פִּישְׁנֵהָד וּ יַא סְוֶאֵלִי דִּר אַמּוֹר הֵלַאֵף וּ זִנְדִּגִּי רּוּזְמֶרֶה דַּאֵרֵד אַז אֲטַמַּאֵם לִפְת

نجات پیدا کردیم و یا اینکه باز هم آن افراد صدیق را مسخره می کردند و به چشم سربار و دست و پا گیر به آنها نگاه می کردند؟ ولی اگر مردم سدوم درک می کردند که بدون ده نفر صدیق ، شهر با آتش و باروت نابود می شود ، تمام سعی و تلاش خود را می کردند که در سدوم حداقل ده نفر صدیق وجود داشته باشند.

با تأمل در این موضوع در می یابیم چه ارزشی باید برای افراد صدیق قائل شویم و دید ما درباره آنها چطور باشد ، زیرا این افراد صدیق هستند که شهر را نجات داده و نعمت و خوبی به خاطر آنها می باشد.

پند دیگری که در این پاراشا از یعقوب آوینو آموختیم این است: اگر مجبور هستیم به مکانی برویم که در آنجا افراد خطاکار است ، قبل از رفتن به آن مکان ، باید خود را با آموزش تورا آماده کرده تا تحت تأثیر آنها قرار نگیریم.

که به خاطر یعقوب آوینو ، چه خوبی و برکتی به آنها می رسد ، و یا این که می دانستند ولی به آن اهمیت نمی دادند.

شاید در آن موقع نیز گروهی از مردم بودند که حق را به عساو می دادند و با کمپین و کارزار ، نفرت مردم را بر ضد یعقوب آوینو برمی انگیزتند که یعقوب دزد است و برادر و پدر خود را فریب داده ، یعقوب به دزدی اولزادی عساو اکتفا نکرده و براهای او را نیز دزدید و باعث شد درجه عساو در نزد ییصحاق آوینو پایین آید.

در نزد سدوم و عمورا نیز دیدیم مردم بسیار بد و خطاکاری بودند و با وجودی که اوراهام آوینو بسیار برای آنها تفیلا خواند ، نتوانست آنها را از حکم نابودی نجات دهد زیرا در کل شهر ، حتی ده نفر فرد صدیق نیز نبودند.

تصور کنیم در سدوم ده نفر آدم صدیق بودند ، این باعث می شد تفیلا اوراهام آوینو مورد قبول واقع گردد و شهر از نابودی نجات پیدا کند. آیا مردم سدوم می گفتند به خاطر این ده نفر فرد صدیق

اهمیت آموزش تورا

به همین دلیل هم پس از گفتن شکرانه بعد از غذا (ברכות המנוחה) ما هجده بار با گفتن "خدای مهربان" (הרחמן) از خد-اوند درخواستهای بسیاری می کنیم ، زیرا شکرانه بعد از غذا میسوای بزرگ و مهمی است و طبق تمام نظرات ، گفتن این براخا از خود تورا امر شده است. این باید پندی باشد که این براخا را بدون دقت نخوانیم و ارزش آن را دست کم نگیریم. افرادی هستند که این براخا را با خستگی خوانده و یا آنقدر این براخا را تند می گویند که حتی خود آنها نیز نمی دانند چه کلماتی را از دهان خارج می کنند.

در واقع این براخا آنقدر مهم است که هلاخاهای آن طبق هلاخاهای تفیلائی لخش می ماند و حتی برای جواب آمن قدیش هم نباید گفتن این براخا را قطع نمود و باید این براخا را با ترس از خد-اوند و از روی سیدور خواند. علاوه بر این ، فردی که این براخا را با نیت می خواند ، هیچ وقت محتاج غذا نخواهد بود ، هم چنان که در کتاب خینوخ آمده است :

"معلمان من همواره به من می گفتند که هر کس که در گفتن شکرانه بعد از غذا دقت می کند ، در کل زندگی ، غذا و خوراک او با احترام فراهم خواهد بود."

در شهر یروشالیم راو صدیقی زندگی می کرد به نام ربی موطل دیان. این راو عقل و دانش بسیاری داشت ، هم قاضی بود و هم هلاخا تعیین می نمود و افراد بسیاری با تفیلاها و براهای او به آرزوی خود رسیدند.

اگر شخصی مایل بود با راو موطل دیان مشورت نماید ، می توانست این مشورت را در هر موقع که می خواهد انجام دهد ، زیرا درب خانه هاراو موطل به روی همه باز بود و او با خوشرویی از همه پذیرایی می کرد. ولی هاراو موطل رسم مخصوصی داشت و آن اینکه هر وقت شخصی به نزد او می آمد ، ابتدا هاراو موطل به او می گفت : "بیا با هم کمی تورا بیاموزیم" و فقط وقتی چند فصل از کتاب هارامبام را می خواندند ، ربی موطل به درخواست آن شخص گوش فرا می داد.

علت این رسم چه بود؟

اول اینکه کلید هر چیز آموزش تورا است. ربنو بخیی در تفسیر خود بر تورا می نویسد : وقتی فرد میسوای بزرگ و گرانقدری را انجام می دهد ، آن زمان به وقت مخصوصی تبدیل می شود و اگر در آن موقع تفیلا بخواند ، تفیلائی او مورد قبول خد-اوند قرار می گیرد.

آموزش توراه شد تا وقتی به نزد لاوان می‌رسد ، خطاکاری و رفتار نادرست لاوان بر او تأثیر نگذارد.

در پاراشای بعد نیز می‌خوانیم فرشته‌ای به جنگ یعقوب آوینو آمد و تا سپیده دم با او جنگید. این فرشته همان ساطان بود و سعی داشت یعقوب آوینو را از پای درآورد ، ولی موفق نشد. اوراهام آوینو ستون نیکی و احسان ، ییصحاق آوینو ستون تفیلا و یعقوب آوینو ستون آموزش توراه بودند. چرا ساطان فقط به جنگ تن به تن با یعقوب آوینو آمد و نه دیگر پدران؟

ربی الخانان واسرمن روحش شاد در پاسخ به این سؤال می‌فرماید: درست است که ساطان برای نیکی کردن و تفیلا خواندن نیز مزاحمت ایجاد می‌کند ، ولی به هر حال با این دو مورد می‌تواند کنار آید و لزومی نمی‌بیند جان خویش را به خطر اندازد. ولی ساطان آموزش توراه را نمی‌تواند تحمل نماید و به همین سبب حاضر است جان خود را به خطر انداخته و به جنگ تن به تن بیاید.

ما نیز باید برای آموزش تورای خویش ارزش قائل شویم و نگذاریم آموزش توراه در نزد ما عملی ساده و پیش‌افتاده باشد و یا وقت آموزش توراه در نزد ما بیهوده تلف شود.

برگرفته از "مکید دواراو ليعقوب"

نگذاریم وقت ما بیهوده تلف گردد ، بلکه باید برای وقت خود ارزش قائل شده و از زمان آزاد خود برای آموزش توراه استفاده کنیم.

باید بدانیم توراه ، سلاح ما در برابر غریزه بد می‌باشد. کتاب خووت هلاواوت در این باره می‌نویسد:

وقتی دو دسته با هم در حال نزاع هستند و هیچ یک نمی‌تواند بر دیگری غلبه نماید ، اگر دسته‌ای می‌خواهد بر دیگری پیروز شود ، باید برود و مخازن سلاح دسته مقابل را پیدا و آنها را نابود کند. وقتی سلاح طرف مقابل نابود شد ، حتی اگر تمام سربازان و فرماندهان نیز زنده باشند ، جنگ دیگر از دست رفته است. به همین جهت غریزه بد نیز بیشتر انرژی خویش را روی آموزش توراه می‌گذارد و سعی دارد انسان را از آموزش توراه باطل کند و به این صورت سلاح را از دست او بگیرد.

یعقوب آوینو نیز قبل از رفتن به نزد لاوان ، چهارده سال مشغول آموزش توراه شد. یعقوب آوینو از عساو فرار کرد ، ولی می‌دانست به نزد یک فرد صدیق نمی‌رود ، بلکه به نزد لاوان می‌رود.

دانشمندان توراه این مورد را به این مثال تشبیه کرده‌اند و می‌گویند: "به مانند شخصی که از شیر فرار کرد و با مار برخورد نمود." یعقوب آوینو می‌دانست اگر بدون آمادگی به نزد لاوان برسد ، تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. پس چهارده سال مشغول

قابل توجه خوانندگان گرامی

نشریه هفتگی ۶۱۶۶ در زمان اخیر با کمبود مالی جدی روبرو شده است که در صورت عدم دریافت کمک مالی از چاپ و پخش نشریه برای چندمین بار معذور خواهد گشت. این مورد سبب گشته این نشریه تنها به تعداد نسخ محدودی چاپ و نشر اکتفا نموده و در اختیار افراد معدودی قرار دهد و بدین ترتیب سایرین از دریافت آن محروم بمانند که در صورت عدم توجه ، موفق به تهیه این تعداد محدود نیز نخواهد گشت.

واقعاً اکنون: لمظه‌ای تفکر... ۱۱۱

اما پس از تفکر ، باید عمل نمود آیا عدالت است که تنها به علت کمبود مالی از داشتن نشریه‌های فارسی زبان که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند محروم باشیم پس خواهشمند است جهت کمک به این نشریه اقدام فرمایید . با کمک به این نشریه علاوه بر درج اسامی و اختصاص انتشار ، به منظور سلامتی و موفقیت افراد و یا شادی روح و روان رفتگان خویش ، مزکی خواهید گشت که توسط تلمید خاخام جهت سلامتی ، موفقیت و سرافرازی شما در نزد مقبره "خاخام اوریل داویدی" به دعا و تفیلا پرداخته شود.

جهت کمک به این نشریه لطفاً با شماره تلفن یا واتس‌آپ ۶۴۹-۳-۶۴۹-۵۴. تماس حاصل فرمایید.